

به نام کردار نیک، گفتار نیک، پندار نیک

همه اقوام ایرانی دست در دست یکدیگر باید گذارند و شهرهای از دست رفته خود را به ایران پیوند دهند

سرزمینی که هفت هزار سال پابرجا مانده است و هزاران باور و آداب و رسوم مختلف ملی برای خود دارد

ملتی که هویت خود را از دست بدهد هیچ سخنی برای گفتن در دنیا ندارد



جشن ملی چهارشنبه سوری



این جشن که برای استقبال از نوروز است بدون تردید یک سنت ملی و میهنی به جای مانده از زرتشت بزرگوار است. ولی روز چهارشنبه آن بر طبق اسناد کهن پس از اسلام به روی آن گذاشته شده است. زیرا در ایران پیش از اسلام روزهای به این صورت نامیده می شدند: هرمزد روز، بهمن روز، اردیبهشت روز و... پس چهارشنبه بر این باور تازیان که روزی نحس است بروی جشن چهارشنبه سوری گذاشته شد. (والاربعا یوم ضنک و نحس). منوچهری دامغانی در این باره میگوید:

چهارشنبه که روز بلاست باده خور

به ساتگین می خور تا به عافیت گذرد

تازیان به این اندیشه که توانسته اند ایران را با ضرب و شتم و شمشیر تصرف کنند میتوانند آداب و رسوم ایرانیان را تغییر دهند این جشن را به عنوان روز نحس آخر سال نامیدند . ولی ایرانیان همچون گذشته این جشن را برای شادی روح نیاکانشان و گرمی داشت آتش اشو زرتشت برگزار نمودند . مردم ایران آتش چهارشنبه سوری را باید روشن نگاه دارند تا روز نوروز و سپس آنرا خاموش نمایند زیرا باورهای ملی باستانی ما اینگونه بوده است .

واژه چهارشنبه سوری تشکیل شده از چهارشنبه که پنجمین روز هفته است و سور که در زبان شناسی پهلوی واژه ای است که از " سوریک " گرفته شده و در چم سرخ و آتشین است . در کل این جشن به نام چهارشنبه سرخ و آتشین نامیده شده است . در اصفهان چهارشنبه سرخی ، در بندر عباس چهارشنبه آخر ، در مازندران آخر چهارشنبه ، در سمنان وفس ، در گویش های کردی ، لری ، لکی نیز سور پهلوی گفته می شود . در گیلان نیز گول گوله چهارشنبه ، در بیجار دو چهارشنبه آخر سال را گرمی می دارند و شادی میکنند . در اردبیل سه چهارشنبه آخر سال را جشن میگیرند به نام های : توز چهارشنبه (چهارشنبه طوسی) ، کول چهارشنبه (چهارشنبه خاکستری) ، گول چهارشنبه (چهارشنبه سرخ و آتشین) . در قروه سه چهارشنبه آخر سال را مردم شادی میکردند و آتش می افروختند . ولی مراسم آتشین آنها " چوارشمه

کولی" نام دارد که آنرا باشکوه تر از همه برگزار می نمایند . در قزوین نیز "کوله چهارشنبه" نامیده شده و آنرا بسیار باشکوه و باشادی و رقص برگزار مینمایند . در آذربایجان همه خریده‌های چهارشنبه سوری از بازار چهارشنبه انجام میگردد و مردمان ایران در آنجا بازارها را چراغانی میکنند و به شادی می پردازند . قابل توجه است که این مراسم نه تنها در ایران بلکه در کردستان عراق ، کردستان ترکیه ، هرات ، کابل ، تاجیکستان ، آذربایجان و .. نیز برگزار میشود . زیرا همه آنان قسمتهای از نژاد ایرانی هستند که بی لیاقتی حکام زمان خود باعث جدا شدند آنان از ایران گردد . جدا از کشورهای منطقه خاورمیانه- بسیاری از کشورهای اروپای و امریکایی که ایرانیان آنجا ساکن هستند در اجرای این مراسم کهن تلاش فراوان می نمایند . پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی این مراسم خرافاتی و زشت نامیده شد و تلاش بسیاری برای نابودی آن صورت گرفت و چندین بار به نیاکان و برگزار کنندگان آن واژه های زشت و زننده خطاب داده شد . برای نمونه سخنان حیرت آور مرتضی مطهری که کل تاریخ پیش از اسلام ایرانی را رد کرد و آنان را مشتی نفهم و ابله توصیف نمود یا علی لاریجانی و یا علی شریعتی . به هر روی مردم ایران و فرهنگ ایرانی به هیچ وجه با چنین سخنانی و چنین دشمنی هایی نابود نمی گردد بلکه روز به روز قوی تر و جهانی تر میگردد .

چگونگی آتش افروزی و سروده های آن :

ایرانیان نور را مظهر یزدان پاک می دانسته اند و ستایش از آن را واجب . آتش نیز بزرگترین نماد و قدرت اهورامزدا است که باید آنرا درود فرستیم و بزرگ بپنداریم .

در شهر خور دید و بازدید های شبانه را " آبرون " مینامند که در گویش خوری آتش است . آذربایجان

نیز مهد آتش و نگهدارنده آتش ایران زمین است . در یزد نیز همین دید و بازدید های شبانه " آتشون "

گفته می شود . در جشن های ملی آتش بازی از مهم ترین کارهای ایرانیان است . در بسیاری از عروسی

های اقوام ایرانی آتش افروخته می شود . دهها آتشکده در ایران به همین دلیل بنا گشت که بسیاری از

آنان توسط تازیان ویران گشته ولی برخی دیگر پابرجاست . در قلب کویر ایران خور مردمان پس از

درگشت نزدیکان خود تا سه شبانه روز هنگام غروب آفتاب آتش می افروزند و عده ای دیگر در آن هنگام

به فاصله چند متر از یکدیگر نیاکان خویش را نیایش میکنند .

هنوز هم در بسیاری از نقاط کردستان ایران نه تنها چهارشنبه سوری بلکه شبهای نوروز نیز آتش افروخته

می شود . عده ای از مورخین قدیمی برای ملی کردن نام چهارشنبه تازی گفته اند که زمانی که زرتشت

گاه شماری برای ایران بنا کرد نوروز به چهارشنبه افتاده بود و برای همین ایرانیان شب قبل از نوروز را

شادی و پایکوبی می نمودند . ولی بی شک چهارشنبه واژه ای تازی از پس از اسلام است . ولی جشن

چهارشنبه سوری از هزاران سال پیش از اسلام برقرار بوده است .

در اصفهان به پاسداشت ابر مرد فیلسوف جهان اشو زرتشت سه کپه آتش در شب چهارشنبه سوری

درست می نمودند که همان "کردار نیک ، گفتار نیک ، پندار نیک" است و با این شعار جهانی زرتشت به

استقبال سال جدید می روند . تا سال آینده سالی باشد که یزدان پاک آنان را در پناه انسانیت و دوستی و

صلح به سوی روشنایی هدایت کند .

در روستاهای اطراف بندر عباس از ساعتی مانده به غروب ساز و دهل می نوازند و شروع به رقص و

شادی می نمودند . در همان هنگام زنانی که به تماشا ایستاده اند "کی کنک" یا هلهله می کنند . سپس

ساعتی پس از رقص و شادی آتش ها را کپه کپه با فاصله ای از یکدیگر بنا می نمودند و از روی آن می

پریدند و این را بلند می گویند :

زردی مه به تو ، سرخی تو به مه

مردمان خراسان با بر پا کردن هفت کپه آتش مقدس چهارشنبه سوری را گرامی می دارند . حتی زنانی که

بچه شیرخواره دارند با بغل کردن آنان از روی آتش می پرند . هفت کپه آتش از همان عدد هفت مقدس

ایرانی سرچشمه گرفته است . در شهرهای خراسان همان زردی من از تو و سرخی تو از من گفته می شود

ولی در روستاها این شعر محلی خوانده می شود :

آلا به در بلا به در , دزد هیز از دها به در

در خور نیز چهارشنبه سوری به همین شکل برگزار میگردد که غروب خانواده ها چند برگ خشک خرما به

پشت بام می برند و آنرا زیر ناودان بام می گذارند و آتش می زنند . وقتی شعله شکید از بام به کوچه

پرت میکنند و سپس کوزه ای پر از آب را روی آتش می اندازند . زیرا هم آب و هم آتش هر دو از

بزرگترین فروزه های خداوند هستند و هردو نماد پاکی و روشنایی . خور یکی از شهرهای است که برای

آتش احترام بسیار میگذارند . در انارک نیز شعر زیر را در شب چهارشنبه سوری می خوانند :

غیلا بی در , غیلا بی در , مرد می بد , از ما بی در

در نائین نیز آتش را از بام به کوچه می اندازند و کوزه ای از آب را به درون آن پرتاب میکنند . سپس

همگان به دور آن جمع می شوند و شادی می کنند . عده ای بر این باور هستند که پرت کردن آتش از بام

به خیابان قدمت بیشتری دارد و این کار برای درست کردن دود است تا فروهر های نیاکانشان با استفاده

از دود آنجا را پیدا کنند .

در همدان پس از آتش افروزی و پریدن از روی آن - آتش را به هوا پرتاب میکنند و جاروها را آتش می زنند و به سوی آسمان پرت میکنند .

در آشتیان مردم پیش از غروب آفتاب سه کپه هیزم و بوته که به زبان محلی "ورک" نامیده می شود فراهم میکنند و سپس آنرا روشن و از روی آن می پرند . سپس شروع به شادی و رقص میکنند . در نهایت مردمان آشتیان آتش را خاموش نمی کنند و می گذارند به خودی خود خاموش گردد .

در سنندج پس از افروختن آتش یک جارو را داخل کوزه سفالی آتش می زنند و مقداری اسفند در آن میریزند . بعد که از روی آن پریدند کوزه و جارو را از خانه بیرون میگذارند . کسی که جارو و کوزه را از خانه بیرون می برد نباید به پشت سر نگاه بیاندازد . عده ای از مردمان آنجا احگرهای از آتش را از روزنه های راهرو و اتاق به داخل می اندازند و بر این باور هستند که این کار مایه تحکیم بنیان خانواده و مهر و دوستی بسیار موثر است . در بیجار عروسکی را از پارچه های رنگی ساخته و از خانه بیرون می برند . این عروسک را بلاگردان خانواده در سال جدید می دانند . در کرمانشاه در هنگام پرش از روی آتش می

گویند : **زردی مه ارای تو ، سرخی تو ارای مه**

در تبریز و دیگر شهرهای آذری زبان ایران این سروده را میخوانند : **بختیم آچیل چارشنبه**

در رضائیه از سومین چهارشنبه سال جشن شادی شروع میگردد . آنان سرودهای ملی را اینگونه میخوانند :

بالانچی چرشنبه , خبر چی چرشنبه , آخر چرشنبه .

سپس در آخرین چهارشنبه میگویند : **عاطل باطل چرشنبه بخیم آچیل چرشنبه**

مردم در بزرگ آباد رضائیه چهار هفته قبل از نوروز شبهای چهارشنبه بر پشت بام خانه های خود آتش

می افروزند و به این نام میخوانند : 1 - مشتلق چی 2- کوله 3- قره 4- آخر چارشنبه . در سومین

چهارشنبه همه باید به پشت بام بروند و بگویند روغن خودمان مال خودمان به همسایه نرود .

در آستارا چهارشنبه سوری را بسیار احترام میگذارند . آنها کپه های آتش را به تعداد 3 یا 5 یا 7 بنا می کنند

سپس همه با فاصله از روی آن می پرند . در آستارا سالخوردگان برای پریدن از روی آتش بر دیگران

برتری دارند . در هنگام پرش همه سروده های دست جمعی می خوانند و شادی میکنند .

در گیلان چهارشنبه سوری را گول گول چهارشنبه می نامند و ساقه های برنج کلوش یا گون را بروی آتش

می اندازند و برافروختن آن کمک میکنند . در بندر پهلوی هنگام چهارشنبه سوری این سروده را بلند و

دسته جمعی میخوانند :

گول گول چارشنبه

به حق پنشنبه

نکبت بيشه شوکت بی ی

زردی بيشه سرخی بی ی

گول گول چارشنبه

در لاریجان این سروده را میخوانند :

چهارشنبه سوری کومه

پار دسوری کومه

مه زردی بورت کش

ته قرمزی بی ی م کش

در اشکور بوته های آتش را بر پشت بام می برند و آنجا آتش می زنند و این سروده را میخوانند :

کل کل چهارشنبه

کل کل چهارشنبه

فردا بهاره شنبه

فردا بهار شنبه

هرنج و رنجی بکله

گرفتاریها و رنج بریزد

می سکه رنجی به کله

رنج من که مثل رنج سگ است بریزد

سپس خاکستر را در کوچه ها می ریزند و صبح چهارشنبه یک کوزه شکسته و مقداری خاکستر و یک جارو

کهنه بر میدارند و در وسط کوچه قرار میدهند . در بیشتر روستاهای طبرستان ایران دسته های 3, 5, 7

تایی آتش برپا میگردد . که بیشتر از بوته های گون یانی و ساقه برنج است . همه افراد باید 7 بار از روی

آن بپرند . سپس این سخن را تکرار میکنند :

من پر مه ته سر

می زرده ته

تی سرخه مه

ارمنی های ایران جشن چهارشنبه سوری را با نام " درن دز " برگزار میکنند . آتشی برافروخته میکنند و از رویش میپرنند . شمع های روشن میکنند و به خانه هایشان می برند . تا برکت آتش به خانه هایشان بیاید . این جشن در سال 1347 برابر با 25 بهمن در ایران بسیار باشکوه برگزار شد بوده است .

در شهرهای ایران که گویش ها یکی است این سروده های خوانده می شود :

بترکه چشم حسود و بیگانه

چه بیرون و چه تو خانه

شنبه زا , یکشنبه زا , دوشنبه زا , سه شنبه زا , چهارشنبه زا , پنجشنبه زا , جمعه زا

هرکه از دروازه ها تو میاد

هر کی از دروازه ها بیرون میره

زاغ چشم , سیاه چشم , ارزق چشم

بترکه چشم حسود و بیگانه

چه بیرون و چه تو خانه

کوزه شکستن در شب چهارشنبه سوری :

برای پیشواز رفتن جشن نوروز جشن کوزه شکستن چهارشنبه سوری یکی از مراسمهایی است که برای استقبال از آن انجام می گیرد . مردم برای رفع بلا ها و مشکلات و چشم های بد کوزه های آب قدیمی خود را می شکستند . در خراسان پس از جشن و شادی شب چهارشنبه سوری مردم درون کوزه کمی زغال و نمک و یک سکه می گذاشتند و همه افراد خانواده آن را دور سر خود می چرخانند و سپس آنرا از بالای پشت بام به بیرون پرت میکنند تا سیاه بختی - چشم شوری و فقر از خانه هایشان در آغاز سال نو بیرون رود .

در یوالاتر رضائیه و برخی نقاط کردستان , مردم پیش از طلوع خورشید روز سه شنبه از هر خانواده ای یک نفر سرچشمه می روند و کوزه را از آب پر میکنند و به خانه ها می آورند . روز سه شنبه کوزه های آب را در گوشه های خانه می گذارند و آنرا در پخت نان مخلوط میکنند و نان می پزند . در تبریز برخی مردم برای شوخی شب چهارشنبه سوری از بالای پشت بام ها بر سر یکدیگر آب می ریزند و آب را مایه روشنایی میدانند . این مراسم در زمان ساسانیان نیز انجام می گرفت .

اسفند دود کردن و به صحرا رفتن شب چهارشنبه سوری

این مراسم در بیشتر نقاط ایران زمین انجام می گیرد . هدف سلامتی و تندرستی و رفع چشم های بد است . در کردستان و کرمانشاه مقداری پیاز , چند جفت جوراب و چند ظرف شکسته نیز بیرون می ریزند . کردستان و اقوام کرد در شب چهارشنبه سوری همانند سیزده به در به صورت دسته جمعی یا تک تک به صحرا می روند و به آبهای زلال چشمه ها نگاه میکنند . مدتی در صحرا شادی و رقص میکنند و زنان چند تار موی بچه هایشان را قیچی میکنند و به دست نسیم , باد , آب رودخانه و . . . می سپارند . سپس با کوزه های آب به خانه هایشان می آیند .

تخم مرغ شکنی شب چهارشنبه سوری

تخم مرغ شکستن یکی دیگر از بازیهای مخصوص این شب است که با هلله کردن و رقص و شکستن تخم مرغ صورت می گیرد. در کرمانشاه "خاکنگی"، در یوالاتر رضائیه "یومورتا ساواشدیرماخ" گفته می شود. برای این کار معمولاً تخم مرغها را رنگ میکنند. سپس یک نفر تخم مرغ را در مشت خود قرار میدهد به طوریکه سر تخم مرغ بیرون باشد و شخص دیگری با تخم مرغ خود به آن ضربه می زند. هر یک از تخم مرغها که شکست آن شخص بازنده و باید تخم مرغی را به برنده بدهد. بسیار مشاهده شده است که یک شخص دهها تخم مرغ را در این شب برنده شود و بسیاری به جای آن از گوسفند و مرغ و خروس نیز استفاده میکنند. مردمان گرگان چند ساعتی قبل از اجرای مراسم در جنگلها می روند و پیاده روی میکنند و سپس شروع به جشن گرفتن و شادی میکنند.

شال اندازی شب چهارشنبه سوری

این مراسم در مناطق شمال غربی و غرب ایران به وفور صورت می گیرد، در رضائیه، شاهپور شهر، تبریز، کردستان، کرمانشاهان و... در شاهپور شهر آذربایجان مردم از بالای پشت بام شالی بلند را به درون خیابان آویزان میکنند. مردمان از خانه هایشان بیرون می آیند و شالها را پر از میوه و آجیل میکنند و سپس افراد بالای بام شال را به بالا میکشند. عده ای که نامزد یا دوست دختر یا پسر دارند به خانه های نامزدشان یا دوستانشان می روند و با آنان این مراسم را اجرا میکنند. آذری ها می گویند: شال سالمخ. در کردستان نیز به وفور این مراسم انجام می گیرد و قبل از آن در بامهای خود آتش می افروزند. در کردستان می گویند: هتری و متری شتیکمان بوبخه نه بن چیری. سپس مردمان هدایا را بین خود تقسیم می کنند و در آخر شب به خانه های خود باز میگردند.

مراسم فال گوشه شب چهارشنبه سوری

پس از آنکه آتش افروزی به پایان رسید زنان و مردان ایرانی آرزوی خود را برای سال جدید در ذهن یاد آوری میکنند و سپس به گوشه ای مخفی می شوند. در رضائیه و نقاط شمال غربی ایران مردمان پارچه هایی بر سر خود میاندازند. سپس در سر کوچه های، داخل خانه های و سر گذرها مخفی می شوند. سپس مشغول فال گوش شدن می شوند و به سخنان افراد عابر خیابانها، ساکنین منازل و مردمان دیگر گوش فرا می دهند. سپس سخن او را با این برداشت می پندارند که پاسخ به آرزویشان در سال جدید بوده. پیش خود این امر را تداعی میکند که سخن آن فرد در جواب نیت او است و چون در روزهای نوروز بیشتر سخنان مردم درباره شادی و سلامتی و نیکی است پس بیشتر حاجت ها را برآورده شده میدانند. در رضائیه مردم هنگام مخفی شدن کلیدی را زیر پای خودشان می گذارند که این کار برای گشایش کارها در سال جدید است. در کردستان و کرمانشاه ایرانیان برای اثبات فالگوشی به درب خانه سه نفر می روند تا از پاسخ به نیتشان مطمئن گردند.

مراسم فال کوزه در شب چهارشنبه سوری

از زیباترین مراسمهای ایرانی مخصوص چهارشنبه سوری مراسم فال کوزه است. پس از پایان آتش افروزی و مراسمهای جشن و شادی و رقص دسته جمعی زنان و مردان ایرانی به داخل خانه هایشان باز میگردند و شروع به فال گرفتن برای آرزوهای خود میکنند. وسیله نخست این بازی دسته جمعی کوزه است. در اصفهان این مراسم را " فال بولونی"، در گودین کنگاور " فال قزیل" یا " فال گوشه" می گویند. زنان شب قبل از چهارشنبه یک کوزه آب ندیده را بر می دارند سپس هر نفر یک قطعه انگشتر یا سنجاق یا گوشواره یا انگشترانه را داخل کوزه می اندازند و پر از آب میکنند. سپس روی دهانه کوزه سینی، صابون، کیسه حنا، سورمه دان و نقل می گذارند. دختر

کوچکی کوزه را داخل تنور می گذارد و سینی را روی آن . روز چهارشنبه سوری پس از خوردن آش رشته که از غذاهای اصلی این شب است و پایان آتش بازی همان دختر کوزه را به زیر دامن خود قرار میدهد و یک نفر دیگر هم دیوان حافظ را می آورد . سپس هر قطعه را برای نیت یک نفر از داخل کوزه بیرون می آورد و برایش فال می گیرند . در خراسان آب داخل کوزه نمی ریزند . در اصفهان به جای حافظ " چاربتو " می خوانند . در کنگاور کرمانشاهان روستای گودین بدون آنکه آب درون کوزه بریزند نشانه ها را داخل میکنند و درب کوزه را با دستمال میبندند . سپس با ریسمانی از ناودان آویزان میکنند . در خور این مراسم " فال هنشکو " نام دارد .

آجیل شب چهارشنبه سوری

پایان شب چهارشنبه سوری پس از رقص و پایکوبی های دسته جمعی و آتش افروزی خانواده ها دور هم جمع می شوند . سالخوردگان شروع به خواندن داستانهایی از شاهنامه می کنند . زنان اسفند دود میکنند و سپس سینی های آجیل را می آورند . مواد داخل این آجیل در نقاط مختلف ایران گوناگون است . برای نمونه در خراسان انجیر - کشمش - خرما - توت خشک - فندق - پسته و بادام است . در بزرگ آباد رضائیه : کشمش - مویز - گردو - بادام - سنجد - خرما - انجیر - شیرینی - آب نبات - تخمه - قاقوت - و تخم مرغ رنگی است . در شاهپور آذربادگان : کشمش - نخود - گردو - فندق - انجیر - بادام - شاهدانه است و بسیاری بازارهایشان را چراغانی میکنند . در بسیاری دیگر از نقاط ایران زمین آجیل شب چهارشنبه سوری به شرح زیر است : تخمه - شاه بلوط - باسلق - برنجک - مغز گردو - برگه هلو - برگه زردآلو - جوزقند و آلو است .

آش شب چهارشنبه سوری

در بیشتر نقاط ایران در این جشن ملی آش می پزند. آش در لاریجان هفت نوع بنشن - هفت جور سبزی و هفت ترشی را در خود دارد که هفت ترشی آش نامیده می شود. در خراسان چهار رنگ پلو برای چهارشنبه سوری درست میکنند. که بیشتر رشته پلو - عدس پلو - زرشک پلو و ماش پلو است. سپس آنرا بین اقوام خود تقسیم میکنند. در شاهپور شهر آذربادگان در بیشتر منازل پلو می خورند. در رضائیه کوفته می خورند. در بندر عباس پس از خوردن غذای معمولی نان و نمک و پیاز را در سفره می پیچند و سپس در زنبیل مخصوص خود که " کندوک " نام دارد و از برگ خرماست قرار می دهند ولی تا صبح نباید دست بخورد. این کار بدین جهت است که خیر و برکت برای خانواده همیشگی باشد. در اصفهان ظهر مراسم جشن آش رشته درست و میل میکنند. زنان سمای مازندران در شب مراسم گندم خیس میکنند و روز چهارشنبه سوری با آن گندم و چند نوع سبزی صحرایی آش درست میکنند و برای همسایگان خود می فرستند. در برخی مناطق رسم است که همسایه نباید ظرف آش را بشوید و همانگونه آشی باید تحویل کسی که آش را تقسیم کرده است بدهد. در آلاشت آش ترشی درست میکنند.

قاشق زنی در جشن چهارشنبه سوری

این مراسم مخصوص شب جشن است و هدف از آن جمع آوری حبوبات یا پول آن برای پختن آش شب چهارشنبه سوری است. زنان و جوانان با انداختن روکشی بر سر خود بر در منازل می روند و با زدن قاشق بروی پیاله ای درخواست حبوبات می کنند بدون آنکه سخنی بگویند و معمولاً خود صاحب خانه مقداری مواد لازم برای آش را در پیاله آنان می ریزند. در خراسان به جای قاشق از ملاقه استفاده میکنند. رسم بر این است که خانواده هایی که مسافر یا بیمار دارند به شخص قاشق زن چیزی نمی دهند و با گفتن ناخوش داریم و سفری داریم شخص را دور

میکنند . این کار برای جوانان بیشتر جنبه تفریح و شادی دارد ولی برای زنان هدف و گرفتن مراد خود این کار را انجام می دهند . شخص قاشق زن نباید سخن بگوید . نباید رویش را بر دارد زیرا بد یومن خواهد بود . در کرمان به جای پیاله کیسه ای را بر میدارند و به در منزل می روند .



به خشنودی نیاکان ایران زمین که هر چه ما امروز داریم از رشادت ها و وطن پرستی های آنان داریم

به کوشش : ارشام پارسی

پاینده ایران